

گذری تحلیلی بر اصول دادرسی منصفانه در امر کیفری در نظام حقوقی ایران و

موازن حقوق بین الملل

علی شعبانی^۱

^۱ کارآموز قضاوت، اداره کل آموزش، قوه قضائیه، جمهوری اسلامی ایران، ایران

چکیده

قضاوت همواره در تمامی کشورها در طول تاریخ از دشوارترین مشاغل به شمار آمده است، حتی در شریعت مقدس اسلام از قضاوت بعنوان مقامی پر فضیلت که مختص انبیاء الهی خصوصاً امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام) نام برده شده است. نظریات مختلفی از جمله اینکه قضاوت صرفاً یک شغل نیست بیان شده است از این رو در تمامی قوانین کشورهای جهان از جمله قوانین و فقه اسلامی شرایط خاصی را برای گزینش فردی بعنوان قاضی در نظر گرفته شده است که اگر فردی که در سمت قضاوت گمارده شده شروط لازم را نداشته باشد موجب مشکلات اساسی در جامعه قضایی آن کشور خواهد شد. اصل ۱۶۳ قانون اساسی نیز مبین تعیین شرایط بوسیله موازن فقهی و قوانین است. از مهم ترین مواردی که یک قاضی باید در کنار قوانین به آنها پایبند باشد رعایت اصول و تشریفات دادرسی است که تحت عنوان دادرسی عادلانه و منصفانه از آن یاد می شود. نقض و زیر پا گذاشتن اینها نه تنها دادرسی را از حالت منصفانه و عادلانه بودن خارج می کند بلکه تخلفاتی برای قاضی رسیدگی کننده نیز به دنبال دارد. از این روز به جهت اهمیت رعایت آن برای جامعه قضاوت و خلا پژوهشی در این موضوع، تحقیق پیش رو با روش کتابخانه ای به بررسی اصول دادرسی منصفانه می پردازد.

کلید واژگان: قضاوت؛ دادرسی منصفانه؛ اصول دادرسی؛ تشریفات دادرسی؛ بی اعتباری دادرسی.

A Critical Analysis of Fair Trial Principles in Criminal Matters within the Iranian Legal System and International Law Standards

Ali Shabani¹

1 Judicial Intern, Training Department, Judiciary, Islamic Republic of Iran

Abstract

Judging has always been one of the most difficult tasks across all countries throughout history. Even in the sacred Islamic jurisprudence, the role of judges is viewed as a prestigious position, with the highest honor attributed to the Prophet's successors, especially Imam Ali (PBUH). Different theories have been advanced regarding the judicial process, with some emphasizing that judgment is not merely a task but a role endowed with special responsibilities. Therefore, in all the legal systems worldwide, including Islamic law, specific conditions are set for the selection of individuals for the judicial office, and if these conditions are not met, it results in fundamental issues within the judicial system of that country. Article 163 of the Iranian Constitution also outlines specific criteria for judges, referring to the necessity of fulfilling religious and legal standards. One of the most important obligations a judge must adhere to, in addition to legal provisions, is the adherence to the principles and procedures of fair trial, which are essential for ensuring justice in a legal system. The violation or disregard of these procedures not only disturbs the fairness of the judicial process but also undermines the judicial authority and credibility. Given the significance of maintaining these principles in judicial practice, this research employs a library-based methodology to analyze the principles of a fair trial in the Iranian legal system. The study examines various standards and procedural regulations that are critical for preserving fairness, such as the right to a public hearing, the right to a defense, and the independence of the judiciary. Violating these rights leads to substantial legal consequences for the accused and judicial officials. The objective of this investigation is to highlight the importance of observing these standards for the legal system and society at large.

Keywords : Judgment; Fair Trial; Trial Principles; Trial Procedures; Judicial Integrity

قضاوت از پر منزلت‌ترین جایگاه و سمت‌ها در همه کشورهای جهان به شمار می‌آید و قطعاً نگاهی مانند یک فرد عادی در سایر مشاغل به آن نمی‌شود. قضاوت، مستلزم تصرف در جان و مال و آبروی افراد است، به همین دلیل نوعی ولایت به‌شمار می‌رود، این ولایت برای پیامبر (ص) و امام علی (ع) ثابت است و تصدی منصب قضا برای دیگران جز با نصب خاص یا عام یا با اذن از سوی ایشان جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰: ندارد). در دوران غیبت این وظیفه بر عهده ولایت فقیه می‌باشد که به ریاست محترم قوه قضائیه تفویض اختیار شده است. یک قاضی باید در رفتارهای خود مواظب و هوشیار باشد تا به عنوان سنبلی از عدالت سوء ظن و نگرشی منفی به دستگاه قضایی آن کشور وارد نسازد. شخصی می‌تواند بعنوان قاضی در این سمت گمارده شود که دارای یکسری شرایط خاصی که در تمامی نظام‌های حقوقی همه کشور مشخص شده است دارا باشد. اصل ۱۶۳ قانون اساسی بیان می‌دارد که: صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی بوسیله قانون معین می‌شود. از جمله مواردی که فقه اسلامی و قانون برای قاضی مشخص کرده است عبارتند از: ۱- عدالت ۲- طهارت مولد ۳- دارا بودن لیسانس ۴- تابعیت ایرانی ۵- ایمان و سایر شرایطی که در فقه و قانون از جمله قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری ۱۳۶۱^۱ مشخص شده است. یکی از سخت‌ترین و طولانی‌ترین گزینش‌ها برای تصدی سمت قضا را ایران دارا می‌باشد. از وکیل و قاضی بعنوان دو بال عدالت جهت تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه با وجود تمامی شرایط دیگر نامبرده می‌شود. حق برخورداری از «دادرسی عادلانه» در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که در رسیدگی به دعوای طرفین با هدف رعایت حقوق آنان پیش‌بینی گردیده است. این حق از حقوق اولیه‌ای است که دین مبین اسلام نیز برای همه‌ی انسانها در نظر گرفته است. اهمیت این اصل تا حدی است که در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ (مواد ۸-۱۱)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ (ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۸ و ۹) نیز به عنوان یکی از حقوق شناخته شده برای افراد بشر لحاظ شده است. به موجب این اصل هر کس حق دارد که دعوایش به طور علنی توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلتی منطقی و با امکان برابر با طرف مقابل در دفاع از خود مورد رسیدگی قرار گیرد بر این اساس از ابتدای ورود به رسیدگی تا اجرای حکم رعایت برخی تضمینات برای طرفین دعوا ضروری است. توجه به رعایت عدالت و انصاف به ویژه در رسیدگی‌های کیفری تحت عنوان قواعد شکلی و آیینی، امر جدیدی نبوده و دارای پیشینه کهن است اما در قوانین آیین دادرسی کیفری هرگز به عنوان حقی مشخص و مجزا مطرح نبوده یا به طور کامل مورد حمایت قرار نگرفته است.

در نظام قضایی کشور ایران هر چند که در لابه لای مواد قانونی آیین دادرسی کیفری و حقوق جزای عمومی به «ادارسی عادلانه» اشاره شده است اما به طور صریح و در فصل خاصی از قانون «اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری» مورد توجه قرار نگرفته بود و این امر باعث شده بود که در برخی موارد در دفاع‌های بین المللی دچار چالش شویم؛ به عنوان مثال، در یکی از نشست‌های بین المللی که در ژنو برگزار شد، از هیأت ایرانی سؤال شد که در نظام قضایی ایران اگر ضابط یا قاضی به یکی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری یا قانون جزایی عمل نکند چگونه با او برخورد می‌شود. هیأت ایرانی در مقام پاسخ به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و دیگر مواد قانونی اشاره نمودند ولیکن هیأت متقابل، با این استدلال که چرا رسیدگی به این موضوع و مجازات مرتکب تحت عنوان «نقض اصول حاکم بر دادرسی کیفری» صورت نمی‌گیرد، نظام تقنینی ایران را مورد انتقاد قرار دادند. در مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راجع به این اصول است. (مصدق، ۱۴۰۲: ۱۹-۱۸)

چارچوب نظری پژوهش

قاضی آن کس که منصوب شود تا فصل خصومات کند؛ پس داور قاضی نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۴۶). کسی که به شغل قضاء و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد. در همین معنی دادرس استعمال می‌شود. کسانی که در هیأت تعدیل مال الاجاره سابق بموجب ابلاغ مخصوص وزارت رسیدگی می‌کردند مشمول عنوان بالا نیستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۱۱).

دادرسی (الف) به معنای اعم: رشته‌ای است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع باقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد. در فقه به آن قضاء می‌گفتند. ب) به معنای اخص: مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی بکار می‌رود مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوای معین بکار برده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

دادرس کسی که به شغل قضاء و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۷۳). مدعی به معنی حق است. داد و بیداد یعنی حق و ناحق؛ موقعی می‌گویند که حق، ناحق شود و به ذیحق داده نشود. دادگر کسی است که احقاق حق را شیوه کند. دادجو یعنی متقاضی احقاق حق. دادخواهی تقاضای احقاق حق است؛ متقاضی دادخواه است. داد دادن یعنی احقاق حق کردن در اصطلاحات ذیل بکار رفته:

الف) دادخواست: عرضحال، ظلامه ب) دادرسی: قاضی ج) دادرسی: قضاء د) دادستان: العموم) جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۳۵۱).

اصول محاکمات همه قوانین که قضات در رسیدگی به امور ترافیعی و امور حسبی به کار برند. در قدیم الطرق الحکمیة می گفتند. فعلا آیین دادرسی گویند) جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۱۰۵).

پیشینه پژوهشی

خالقی (۱۳۹۹)، کتاب آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش‌ها حقوقی، چ ۴۲، ج اول، بیان می‌دارد آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند اصول دائمی، کلی و الزام‌آور هستند که بنیان برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی را تشکیل می‌دهند و در تصویب تفسیر و اجرا مقررات آیین دادرسی کیفری باید رعایت گردند، مانند اصل براءت، تاسیس دادگاه به موجب قانون، استقلال و بی‌طرفی دادگاه، علنی بودن دادرسی، رعایت حق دفاع طرفین و برخورداری از امکانات برابر جهت دفاع یا برابری سلاح‌ها و غیره.

رستمی (۱۳۹۷)، کتاب آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چ اول، بیان داشته که در کنار ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری اصولی نیز بر آیین دادرسی کیفری حاکم است که با توجه به مواد ۲ تا ۶ قانون آیین دادرسی کیفری تحت تاثیر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به شرح زیر مورد پذیرش و تاکید قانونگذار ایرانی قرار گرفته است پیش بینی اصول راهبردی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که ابتکار تازه‌ای در مقایسه با قوانین سابقه است یک دادرسی منصفانه را می‌دهد و الگو و راهنمای مناسبی را برای تفسیر قضایی سایر مقررات کیفری ابهام و اجمال فراهم می‌کند این اصول بر تمام مقررات آیین دادرسی کیفری سایه افکنده و به نوعی بر آن حاکم است. ۱- اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری ۲- اصل براءت ۳- اصل بی‌طرفی و رعایت مهلت معقول ۴- اصل رعایت حقوق طرفین دعوی.

زاهدی و سرگزی (۱۳۹۷)، مقاله تاثیر عدم رعایت اصول مهم دادرسی بر بی‌اعتباری رای دادگاه، در فصلنامه حقوقی دادگستری به چاپ رسیده که بیان نموده نقض قواعد شکلی تنها در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، می‌تواند موجب نقض رأی گردد. اما سؤال این است که این تشریفات با درجه اهمیت بالا کدامند؟ معیارهای گوناگونی می‌توان برای تشخیص این تشریفات تصور کرد. معیاری که براساس آن تشریفات، با درجه اهمیت بالا محسوب می‌شود که نقض آن‌ها موجب نقض یک قانون ماهوی است، معیاری است که با متن قانون

فعلی و قوانین سابق بیشتر تطبیق دارد؛ اما معیاری که بر اساس آن تشریفات با درجه اهمیت بالا همان اصول بنیادین دادرسی‌اند، با اهداف آیین دادرسی کیفری مطابقت بیشتری دارد.

مولودی و همزه هویدا (۱۴۰۱)، مقاله تحلیل کارکردگرایانه «تشریفات» در دادرسی مدنی، در فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی به چاپ رسیده. وی شناخت مفهوم و مصداق تشریفات و تمییز آن از مفاهیمی نظیر «اصول» و «قواعد» در حقوق دادرسی دستکم از سه نظر حائز اهمیت دانسته است؛ نخست اینکه قانونگذار، رعایت تشریفات دادرسی را در برخی موارد مثل دعاوی خانوادگی، رسیدگی در شوراها و حل اختلاف و دادرسی کار الزام نمیداند و از این حیث شناخت تشریفات از غیر آن، اهمیت عملی فوق العاده‌ای پیدا می‌کند. دیگر آنکه تعریف جامع و مشخصی از تشریفات در قانون وجود ندارد. قانونگذار صرفاً مواردی را به عنوان نمونه معرفی کرده و از این حیث اختلاف نظر در تعیین مصداق تشریفات همواره در روبه قضایی وجود داشته است. سوم اینکه مبانی و نوع ضمانت اجرا در اعمال تشریفات، متفاوت از ضمانت اجرا در اصول و قواعد دادرسی است. اینکه اصول دادرسی نقض شده یا صرفاً تشریفات، نادیده گرفته شده است، علی‌الاصول در تعیین ضمانت اجرا مؤثر است.

تشریفات دادرسی

منظور از تشریفات دادرسی تشریفات هستند که مقام قضایی باید در جریان اداره جلسه رسیدگی به آنها توجه نماید. برای مثال ضرورت تشکیل جلسه رسیدگی با حضور وکیل در جرائمی که حضور وکیل در آنها ضروری است، از موارد تشریفات دادرسی است. عدم رعایت تشریفات مزبور مربوط به جلسه دادرسی است. یا لزوم شروع جلسه رسیدگی با قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان و قرائت دادخواست زیان توسط مدعی خصوصی یا وکیل وی و اخذ دفاعیات متهم یا وکیل وی از تشریفات دادرسی است (رحمدل، ۱۳۹۶: ۸). به نظر برخی «تحقیق از شهود به صورت انفرادی تکلیف دادگاه است و در صورتی که به غیر از این ترتیب شود تخلف انتظامی تلقی می‌شود» (زراعت و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴۰). برخی از تشریفات دادرسی ناظر به شکل و ابزار اجرای یک حق است، ولی برخی از تشریفات به خودی خود حق طرفین مرافعه محسوب می‌شود؛ برای مثال حضور در جلسه رسیدگی حق طرفین مرافعه است و یکی از تشریفات جلسه رسیدگی نیز محسوب می‌شود. ابزار الزام جهت حضور آنها، نظیر تعیین وقت و ابلاغ آن به طرفین مرافعه نیز از تشریفات دادرسی محسوب می‌شود. اما کنار گذاشتن تشریفات اخیر برخلاف تشریفات نوع اول صدمه‌ای به دادرسی وارد نمی‌کند و حتی می‌توان به موجب قانون آنها را کنار گذاشت. اما در

تشریفاتی که به خودی خود حق محسوب می‌شوند، با درجه‌ای از اهمیت محسوب می‌شوند که اگر رعایت نشوند، صدمه اساسی به دادرسی وارد کرده و موجب نقض رأی می‌شوند (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۶۰).

ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات

مطابق تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود.» همچنین بند «ب» ماده ۲۵۷ و بند «ب» ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ نیز بیان شده بود.

یکی از مواردی که جزو تشریفات دادرسی است لکن موجب بی‌اعتباری رأی می‌شود موارد مربوط به ابلاغ می‌باشد. رئیس شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۰۷۳ مورخ ۲۱/۰۲/۱۳۹۳ چنین بیان کرده است: «درخصوص درخواست رسیدگی تجدیدنظر آقای ب.ی نسبت به دادنامه شماره ۰۰۴۰۶/۱۱/۹۲-۳۰ صادره از شعبه ۷۲ دادگاه کیفری استان تهران از برائت متهمان از اتهام زنا و زنا ی محصنه صرفنظر از وارد یا وارد نبودن اعتراض تجدیدنظرخواه موصوف نظر به اینکه رسیدگی دادگاه کیفری استان بدون دخالت وکیل مدافع و حضور نماینده دادستان در جلسه رسیدگی دادگاه بوده است و لذا به علت عدم رعایت تشریفات قانونی در رسیدگی دادگاه رأی صادره مخدوش بوده است. بنا به مراتب مستنداً به تبصره ۱ از ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قسمت دوم از تبصر ۲ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رأی تجدیدنظرخواسته را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد وفق مقررات قانونی به شعبه دیگر دادگاه‌های کیفری استان تهران ارجاع می‌نماید».

اصول دادرسی

منظور از اصول دادرسی اصولی هستند که آیین دادرسی بر اساس آنها بنا شده است بدون آنها شالوده آیین دادرسی به هم می‌ریزد. این اصول سنگ بنای یک آیین دادرسی درست را تشکیل می‌دهند و بدون آنها آیین دادرسی فاقد ساختار و مبتنی بر هرج و مرج خواهد بود. اگر اصول مزبور وجود نداشته باشند یا محترم شمرده نشوند، نمی‌توان از آیین دادرسی صحبت نمود و در واقع آیین دادرسی بدون آن رنگ می‌بازد. این اصول که برخی از آن بعنوان اصول قاعده ساز تعبیر کرده‌اند «رعایت آنها شرط اعتبار اقدامات و اعمال دادرسی محسوب می‌شود» و بدون آنها اساس دادرسی متزلزل می‌شود (باقری نژاد، ۱۳۹۴، ۱۲۰).

برخی میان اصول دادرسی و تشریفات دادرسی قائل به تفاوت شده و معتقدند اصول دادرسی قواعد ماهوی است که بنیان ساز امور شکلی. این اصول عمدتاً از قانون اساسی گرفته شده‌اند و از اصول آمره دادرسی‌اند و توافق برخالف آنها مؤثر نیست و کسی حق نقض آنها را ندارد. اصول دادرسی در حقیقت قواعد مربوط به نظم عمومی‌اند (شمس، ۱۳۸۵، ۲۲). این اصول به درجه‌ای از اهمیت است که در سال ۲۰۰۴ مؤسسه بین‌المللی رم و به همکاری مؤسسه حقوق آمریکا اقدام به تدوین اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی نمود (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶، ۷۹).

مصادیقی از اصول دادرسی منصفانه

۱. اصل قانونی بودن

از مهم‌ترین اصولی که زیر پا گذاشتن آن موجب نقض دادرسی است اصل قانونی بودن است که به مراتب در امور کیفری جلوه بیشتری می‌کند چرا که مجازات به‌دنبال دارد و عدم رعایت آن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم را به خطر می‌اندازد. اصل ۱۶۶ قانون اساسی^۳ ناظر به این اصل است. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳^۴ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این اصل به وضوح بیان شده است.

۲. اصل تساوی سلاحها

این اصل نمودی از تساوی افراد در برابر قانون است و بدین معناست که وقتی دعوایی در دادگستری مطرح می‌شود شاکی و مشتکی عنه در امور کیفری یا خواهان و خوانده در امور مدنی عیناً ابزارها، موقعیت و جایگاه برابر هم داشته باشند و تبعیضی میان آنها وجود نداشته باشد. بعنوان مثال زمانی که حرف از وکیل به میان می‌آید طرفین باید در تمام مراحل دادرسی بتوانند از وکیل استفاده کنند همان‌طور که در اصل ۳۵ قانون اساسی^۵، ماده ۵۸ منشور حقوق شهروندی^۶، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است و این حق از آنها سلب نشود. یا استفاده از کارشناسی، مواعید برابر در رسیدگی جلوه‌های دیگری از این اصل در دادرسی به شمار می‌آید.

۳. اصل برائت

اصل ۳۷ قانون اساسی^۷ ناظر به همین اصل می‌باشد. این اصل در امور کیفری بدین معناست که اساس و پایه دادرسی کیفری را بر بی‌گناهی متهم گذاشته می‌شود و مادامی که ادله‌ای دال بر گناه کاری وی ارائه نشود وی همچنان بی‌گناه

و غیر مجرم تلقی خواهد شد. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ نیز مبین این اصل می‌باشد.

۴. اصل تساوی افراد در برابر قانون

از مهم‌ترین اصول و پایه‌های هر قانون‌گذاری و اجرای آن قانون این است که تمامی افراد در برابر قانون و اجرای آن برابر باشند و نسبت به هیچکس به واسطه سمت، جایگاه یا هر صفت و ویژگی خاصی خارج از چهارچوب قانون عمل نشود و این مورد حسن نیتی در ذهن مردم ایجاد می‌کند و یک کارگر از نظر نقض قوانین و مقررات در مجازات هیچ تفاوتی با یک وزیر، رئیس‌جمهور یا هر سمت دیگری ندارد. اصول ۱۹۸ و ۲۰۹ قانون اساسی نیز صراحتاً به این اصل مهم اشاره دارد. همچنین ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این اصل را مورد تأکید قرار داده است.

۵. اصل بیطرفی مقام قضایی

این اصل مهم را به این صورت می‌توان تبیین کرد که مقام قضایی به سمت یک طرف پرونده و بدون در نظر گرفتن طرف دیگر به صورت ناعادلانه قضاوت نکند. در دادسرا، دادستان یا مدعی‌العموم همانطور که از نامش پیداست طبق اصول الزامی بودن تعقیب و موقعیت داشتن تعقیب و وظیفه تعقیب جرایم با جنبه عمومی و دفاع از کیفرخواست در دادگاه صالح را دارد و دادیار نیز چون مطابق نظرات وی عمل می‌کند از این رو در زمره دادستان قرار خواهد گرفت فلذا نمی‌توان آن‌ها را بی‌طرف دانست نتیجتاً اینکه بازپرس و دادرسین دادگاه باید اصل بی‌طرفی را رعایت کنند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیانگر این اصل مهم است.

۶. اصل استقلال مقام قضایی

برای اینکه قاضی قضاوتی توأم با عدالت و بی‌طرفانه داشته باشد نیازمند این است که استقلال در تصمیم‌گیری‌های خود داشته باشد. قاضی تصمیم‌هایی که در خصوص یک پرونده اتخاذ می‌کند کاملاً بدون دخل و تصرف و دستور از مقام مافوق خود انجام می‌دهد (در چهارچوب قانون) و گر نه هرگونه نفوذ در پرونده می‌تواند مسیر پرونده را از سمت عدالت به بی‌عدالتی بکشاند و دستگاه قضایی را زیر سوال ببرد. استقلال مقام قضایی مبحث گسترده‌ای است که در این چهارچوب نمی‌گنجد لکن صرفاً برای اشاره به این اصل مهم آورده شده است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مواد ۳ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه این اصل مهم است. این استقلال در دادسرا در بازپرس نسبت به دادیار جلوه بیشتری دارد چرا که دادیار در تمامی موارد باید مطابق نظر دادستان عمل نماید لکن بازپرس غیر از دو مورد^{۱۱} به صورت مستقل در دادسرا احقاق حق می‌کند.

سوال: سوالی که ممکن است پیش آید این است که با توجه به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی آیا کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی خلاف استقلال قاضی است؟

پاسخ: اصل ۹۰ قانون اساسی بیانگر شکایت از طرز کار قوای سه گانه است و منافاتی با استقلال قاضی ندارد. بدین معنا که کمیسیون اصل ۹۰ می تواند از طرز کار قوه قضائیه به طور کلی رسیدگی نماید و نمی تواند از شخص خاص در پرونده های خاص تحقیق و تفحص بعمل آورد فلذا استقلال مقام قضایی در جای خود قرار دارد و کسی نسبت به آن در پرونده های که قاضی رسیدگی می کند نمی تواند دخل و تصرفی نماید.

۷. اصل تسریع در رسیدگی و عدم اطاله

سرعت رسیدگی در پرونده موجبات احقاق حق و عدم دلسردی شاکی یا خواهان دعوا را بدنبال خواهد داشت. اما با آمار گرایی و سرعت نباید از کیفیت رسیدگی به پرونده ها غافل بود. از این اصل چنین برداشت می شود که به یک پرونده های حسب موضوع و حجم پرونده در یک مدت معقول رسیدگی و تصمیم گیری شود و متعاقبا رای مقتضی نیز در این خصوص صادر شود و هرگونه نقض و نفوذ اشخاص ثالث موجب تغییر روند پرونده و ایجاد شائبه برای قاضی رسیدگی کننده خواهد شد. فلذا برای جلوگیری از ایجاد مشکلات احتمالی و سوء ظن بر وی الزامی است تا این اصل مهم را مجری باشد (ماده ۳، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲).

۸. اصل رعایت حریم خصوصی

رعایت حریم خصوصی یک از اصول راهبردی دادرسی های کیفری است که در سطح تقنین مقررات، قضا و اجراء باید مورد نظر قرار گیرد و آثار آن نه تنها معطوف به اصحاب دعوی بلکه تمام آحاد جامعه را در بر می گیرد. تدوین قانون آیین دادرسی کیفری و اجرای آن باید به نحوی باشد که حریم خصوصی آحاد جامعه مورد تعرض قرار نگیرد. آشنایی با مفهوم، مصادیق و مبانی حقوقی حریم خصوصی ضروری است تا سپس ملاحظه شود در مقررات و رویه های قضایی چگونه باید رعایت آن تضمین گردد (طهماسبی، ۱۳۹۸، ۷۴).

نتیجه گیری

قضاوت و دادرسی در تمامی کشورهای جهان در طول تاریخ از مهم ترین و دشوارترین سمت ها به شمار می آید فلذا باید شخصی در این جایگاه خطیر قرار گیرد تا هم شرایط لازم برای تصدی این امر را داشته باشد و هم از پس این کار برآید از این رو یکسری شرایط خاصی در نظام حقوقی کشورهای مختلف برای گزینش این افراد در نظر گرفته

شده است. گفته شده است عدالت دو بال دارد که در جهت عدالت پرواز می کنند یکی از آنها وکیل و دیگری قاضی است. برای تحقق عدالت قاضی باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند تا به عدالت و احقاق حق برسد. از جمله مواردی که قاضی باید در کنار قوانین به آن پایبند باشد اصول و تشریفات دادرسی است که دادرسی منصفانه و عادلانه را بدنبال دارد. مهم ترین اصول دادرسی عبارتند از اصل قانونی بودن، اصل تساوی افراد در برابر قانون، اصل تساوی سلاح ها، اصل بی طرفی و استقلال مقام قضایی، اصل عدم اطاله رسیدگی، اصل برائت، اصل رعایت حریم خصوصی و غیره که نقض آن نقض دادرسی را بدنبال دارد اما در کنار آن تشریفات دادرسی و رسیدگی نیز وجود دارند که اصولاً نقض آنها موجب نقض دادرسی نمی شوند مگر در موارد استثنایی همانطور که در تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است. رعایت اصول دادرسی به جهت اهمیت بسزای آن عدالت را به ارمغان خواهد آورد فلذا بر مقام قضایی الزامی است تا بر آن ها پایبند باشد تا موجبات دادرسی عادلانه و منصفانه را فراهم آورد و موجب نقض آن نشود. در نهایت پیشنهاد محقق نظارت، آموزش و مرور مباحث تئوری و پایه، کم کردن حجمه آمارگرایی است. زیرا؛ غالباً بعد از تقسیم قضات با وجود مشغله، عدم فرصت مطالعه، مسئله آمارگرایی و تعجیل قضات برای صدور رای موجب فراموشی و نقض این اصول خواهد شد.

منابع

- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴)، اصول دادرسی کیفری، تهران: انتشارات خرسندی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، چ ۸، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چ ۵، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری، چ ۴۲، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش. ۶- رستمی، هادی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، چ اول، تهران: نشر میزان.
- زراعت، عباس، حمیدرضا حاجی زاده و یاسر متولی جعفرآبادی (۱۳۸۹)، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، چ ۵، تهران: انتشارات خط سوم.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات دراک.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، چ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۸۶)، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران: انتشارات میزان.

مصدق، محمد (۱۴۰۲)، آیین دادرسی کیفری، چ سوم، تهران: انتشارات جنگل.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰)، فرهنگ فقه، ج اول، چ ۳، انتشارات مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

مولودی، محمد، حمزه هویدا، مهدی (۱۴۰۱)، تحلیل کارکرد گرایانه «تشریفات» در دادرسی مدنی، نشریه مطالعات حقوق خصوصی (۵۲)، ۷۸۱-۷۹۸.

زاهدی، عبدالوحد، و سمیرا سگزی (۱۳۹۸)، تاثیر عدم رعایت اصول مهم دادرسی بر بی اعتباری رای دادگاه، نشریه حقوقی دادگستری، (۸۳)، ۷۹-۹۳.

رحمدل، منصور (۱۳۹۷). تشریفات قانونی و دادرسی و آثار مترتب بر عدم رعایت آنها در امور کیفری، نشریه آموزه های حقوق کیفری، (۱۵)، ۱۸۷-۱۵۷.

References

- Bagheri Nejad, Zeynab, (2015) *Principles of Criminal Procedure*, Tehran: Khorsandi Publications.
- Jafari Langroodi, Mohammad Jafari, (1997) *Terminology of Law* 8th Edition, Tehran: Gonjesh Danesh Publications.
- Jafari Langroodi, Mohammad Jafari, (2013) *Intermediate in the Terminology of Law* 5th Edition, Tehran: Gonjesh Danesh Publications.
- Khalighi, Ali, (2014) *Notes on the Criminal Procedure Code*, Tehran: City Studies and Legal Research Publications.
- Khalighi, Ali, (2020) *Criminal Procedure* 42nd Edition, Tehran: City Studies and Legal Research Publications.
- Rostami, Hadi, (2018) *Criminal Procedure* 1st Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Zarafat, Abbas, Hamid Reza Haji Zadeh, and Yasser Motavalli Jafari Abadi, (2010) *Criminal Procedure Code in Legal System* 5th Edition, Tehran: Khatt-e-Som Publications.
- Shams, Abdollah, (2006) *Civil Procedure*, Tehran: Darak Publications.
- Tahmasbi, Javad, (2019) *Criminal Procedure* 4th Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Ghamami, Majid and Hossein Mohseni, (2007) *Principles of Civil Procedure*, Tehran: Mizan Publications.
- Mossadegh, Mohammad, (2023) *Criminal Procedure* 3rd Edition, Tehran: Jangl Publications.
- Hashemi Shahrودي, Seyed Mohammad, (2011) *Culture of Jurisprudence*, Vol. 1, 3rd Edition, Institute of Islamic Jurisprudence.
- Moloudi, Mohammad, Hamzeh Hoveyda, Mehdi, (2022) *Analysis of Legislative Procedures in Civil Litigation*, Journal of Private Law Studies, Issue 4, pp. 798-781.
- Zahedi, Abdolvahid, and Samira Sargazi, (2019) *Impact of Ignoring Key Legal Procedures on the Integrity of Court Rulings*, Legal Journal of the Judiciary, Vol. 107, pp. 93-79.
- Rahmadl, Mansoor, (2018) *Legal and Procedural Legislative Procedures and Their Impact on the Disregard of Legal Measures in Criminal Affairs*, Journal of Criminal Law Education, Issue 15, pp. 187-157.